

ترقیمه یا کلفون (colophon) که اکنون نسخه شناسان ایرانی به جای آن اصطلاحات «انجامه»، «پایانه» و «دستینه» را نیز مطرح می‌کنند^۱ یکی از مهم‌ترین اجزای ترکیبی نسخه خطی می‌باشد. اگر نسخه خطی را به یک تن انسانی تشبیه کنیم، می‌توانیم ترقیمه را با توجه به موقعیت فیزیکی آن، پای آن تن (نسخه) قرار بدهیم، که نسخه را از یک زمان به زمان دیگر و از یک مکان به مکان دیگر حرکت فرهنگی می‌دهد. از سوی دیگر ما می‌توانیم ترقیمه را قباله و سندی بدانیم که ویژگی‌های وطنی و فرهنگی یک نسخه (نه کتاب/Text) را به ما می‌شناساند. ترقیمه نوعی پاسپورت با اعتبار دائمی یک نسخه خطی است که با بودن ترقیمه نسخه به هر جا و در هر گاه سفر کند، غریبه نیست و می‌تواند در هر کتابخانه معتبر را در جهان بزند و نقل مجلس پژوهش‌ها باشد.

به عنوان نمونه به نسخه خطی شاهنامه فردوسی در فلورانس که ترقیمه‌ای با ضبط تاریخ ماه و سال را دارد - صرف نظر از اصالت یا جعلی بودن آن - اشاره می‌کنیم. نخستین بار آوازه این نسخه هنگامی به گوشم رسید که دکتر محمد روشن مقاله‌ای درباره آن با دید تشکیک در کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی (هزاره تدوین شاهنامه) (دی ماه ۱۳۶۹، دانشگاه تهران) خواند^۲ و پروفیسور پیه مونته - کاشف نسخه - که در آن مجلس حضور داشت، بالبداهه

۱. نگاه کنید به: هاشمی میناباد، حسن؛ واژه‌نامه نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی، مؤسسه نشر فهرستگان، تهران، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۹، مؤلف اصطلاح «انجامه» را بر هر معادل آن - ترقیمه، خاتمه کتاب، دستینه - ترجیح داده است.

۲. این مقاله در نهمین از این پس که من زنده‌ام (مجموعه مقالات کنگره...) به کوشش دکتر غلامرضا ستوده، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۵۵-۲۵۹ چاپ شده است.

ترقیمه نمونه

عارف نوشاهی*

(پاکستان)

چکیده: ترقیمه یا انجامه از مهم‌ترین اجزای نسخه خطی است که می‌توان به وسیله آن مسیر حرکت و زمان حرکت نسخه و یا به اصطلاح سیر و سفر آن را نشان داد. در انجامه‌ها تاریخ کتابت و نام کاتب دو عنصر مهم و اساسی برای کشف تاریخ نسخه می‌باشد. همچنین علاوه بر مشخصات فیزیکی نسخه مانند مرکب، کاغذ و خط که در شناخت نسخه بسیار مهم است، محل کتابت، نام دستور دهنده و نشانی نسخه منقول عنه نیز اهمیت دارد.

این مقاله به بررسی و بخش‌بندی یک انجامه واجد اهمیت، که شامل تمامی مشخصات و عناصر سابق‌الذکر است می‌پردازد. کاتب باذوق، محمد... خان سلمه‌الرحمان (که در نسخه نامش محو شده) - پیداست خود نسخه‌شناس و نسخه‌پرداز خبره‌ای بوده - چنان مطالب پایانی نسخه را فصیح و بلیغ و جامع تحریر کرده است که می‌توان آن را «ترقیمه نمونه» دانست. این ترقیمه به نسخه خطی سراج اللغة (فرهنگ فارسی به فارسی) تألیف سراج‌الدین علی‌خان آرزو اکبرآبادی (به سال ۱۱۴۷ هـ) مربوط است و به سال ۱۲۵۶ هـ در مقام دارالخلافه شاهجهان آباد کتابت شده است.

کلیدواژه: ترقیمه سراج اللغة؛ انجامه؛ آرزو، سراج‌الدین علی بن حسام‌الدین؛ ۱۱۰۱-۱۱۶۹ هـ.

*دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار و رئیس گروه فارسی دانشکده گوردن، راول‌پندی (پاکستان).

شکوک دکتر روشن را پاسخ داد. در جلسه سؤال و جواب خبرگان دیگر نیز وارد بحث شدند. ظنین آن جرح و بحث را هنوز به فراموشی نسپرده بودم که پس از یازده سال، ادامه بحث بر سر ترقیمه نسخه فلورانس را یکبار دیگر در دفترهای سوم و چهارم نامه بهارستان (۱۳۸۰) یافتیم. اگر نسخه فلورانس ترقیمه و تاریخ - ولو کذایی - را در بر نداشت، آیا می‌توان تصور کرد که چنین بحث‌های موشکافانه و باریک فنی درباره یک نسخه مجال طرح می‌یافت؟ این فقط به برکت ترقیمه است که نسخه را از گنج فلورانس بیرون کشید و در صحنه و صفحات تاریخ مطرح کرد و الا نسخه‌های فارسی بی تاریخ و بدون ترقیمه از قرن هفتم در کتابخانه‌ها کم نیست، ولی چون فاقد پشتوانه و شاهد (ترقیمه) اند، قابل مطرح شدن نیستند. منظور از آوردن مثال شاهنامه نسخه فلورانس در اینجا فقط خاطر نشان ساختن اهمیت و ارزش ترقیمه در بدنه نسخه و علم نسخه‌شناسی است.

و اما ترقیمه باید دارای چه خصوصیتی باشد که بتواند بر اعتبار نسخه بیفزاید؟ دو عنصر مهم در ترقیمه وجود دارد که یکی تاریخ کتابت و دیگری نام کاتب است. تاریخ کتابت را بدان جهت بر شخص کاتب مقدم داشته‌ام که اگر نسخه تاریخ کتابت داشته باشد، با وجود گمنام بودن کاتب، نسخه مجال طرح را پیدا می‌کند؛ اما نسخه‌ای بی تاریخ با نام کاتبی که دوره زندگی او روشن نیست از چنین مزیت برخوردار نیست، مگر اینکه اجزای دیگر نسخه - مرکب، کاغذ، خط - به کمک آن بشتابند. علاوه بر تاریخ کتابت و نام کاتب، هر چه بر اجزای ترکیبی ترقیمه افزوده شود، بر ارزش و اهمیت نسخه نیز افزوده می‌شود. سایر اجزای ترقیمه را بدون تقدیم و تأخیر در اهمیت می‌توان بدین شرح نام برد: محل کتابت، نام دستور دهنده، نشانی نسخه منقول عنه. پس یک ترقیمه با داشتن پنج شناسه مذکور، ترقیمه‌ای نسبتاً متعادل و متوازن است. البته یک کاتب هوشمند و ناقل آگاه می‌تواند در ترقیمه نویسی ابتکاراتی به خرج دهد و اطلاعات پنجگانه مذکور را گسترده تر و عالمانه تر بیاورد. به طور مثال در مورد تاریخ

کتابت فقط به ضبط سال اکتفا نکنند، بلکه سال را با ماه و روز بنویسند. شاید همین آوردن ماه و روز - که بسیار جزئی به نظر می‌آید - کمکی بزرگ در استنباط نتایج علمی و گشودن گره‌های تحقیقی باشد. مثلاً مولانا عبدالرحمان جامی تاریخ تألیف نفحات الانس من حضرات القدس را فقط به سال - ۸۸۳ هـ. گفته است^۳، ولی با پیدا شدن نسخه خطی نفحات الانس در گنج بخش، اسلام آباد، شماره ۹۲۶۰ که در ترقیمه تاریخ «فی شهر شعبان، سنة ثلاث و ثمانین و ثمانمائه» را دارد^۴، می‌توان گفت که نفحات الانس پس از ماه محرم و پیش از ماه شعبان ۸۸۳ هـ. تألیف گردیده است. این پیش سخن و درآمد کوتاه برای مطرح کردن ترقیمه‌ای است که کاتب هوشیار نسخه مورد نظر ترقیمه را چنان فصیح و بلیغ و جامع و کامل تحریر کرده است که می‌توان آن را «ترقیمه نمونه» خواند. این ترقیمه متعلق به نسخه خطی سراج اللغة (فرهنگ فارسی به فارسی) تألیف سراج الدین علی خان آرزو اکبرآبادی (به سال ۱۱۴۷ هـ.) است که در ماه ژانویه ۲۰۰۲ م، دو هفته پیش از وفات مرحوم خلیل الرحمان داودی در لاهور، آن را نزد وی دیدم و از آن عکسبرداری کردم.^۵ اوک عبارت ترقیمه را نقل می‌کنم، سپس به تحلیل آن می‌پردازم:

ترقیمه «سراج اللغة»

۱. «الحمد لله و المنة که این کتاب مستطاب سراج اللغة من تألیف سراج الدین علی آرزو تخلص
۲. بتاريخ بست و ششم ماه ذوالقعدة سنه ۱۲۵۶ یکهزار و دو صد و پنجاه [و] اشش هجری مطابق بست و یکم ماه جنوری سنه ۱۸۴۱ عیسوی یکهزار و هشتصد [و] اچهل و یک عیسوی موافق ماه بدی چودس سمبت ۱۸۹۷ روز پنجشنبه
۳. در مقام دارالخلافة شاهجهان آباد حرسها الله من الاقات
۴. از منقول عنه لاله صاحب عنایت فرما لاله دهرم چند صاحب نقل برداشتم
۵. به فرموده مولوی حشمت علی صاحب
۶. از دست مستهام بنده دولت رام قوم کایتھ اونایه عفی الله عنه

۳. جامی در پایان نفحات الانس گوید:

کز وی نفحات انست آید به مشام
در هشتصد و هشتاد و سیم گشت تمام

این نسخه مقتبس ز انفاس کرام
از هجرت خیر بشر و فخر انام

نک: چاپ محمود عابدی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰ ش، ص ۶۳۴.

۴. عارف نوشاهی «نسخه نفحات الانس از روزگار جامی»، آینده، تهران، سال ۱۰، ص ۵۸۷.

۵. از دوستم سید اویس علی سهروردی، مدیر مجله سهرورد در لاهور سپاسگزارم که تسهیلات فنی عکس برداری نسخه را فراهم آوردند.

اگر ما از بند ۱ صرف نظر کنیم که به کتابشناسی تعلق دارد و به نسخه‌شناسی مربوط نمی‌شود، ما بقی ۵ بند همان پنج شناسه و پنج مورد است که ما پیشتر لازمه یک ترجمه متعادل تشخیص داده‌ایم و کاتب در هر یکی از آنها به جزئیات پرداخته است.

چنان که در بند ۴ گفته‌ایم، کاتب از نسخه منقول عنه نیز خبر داده است و چون نسخه مذکور به تصحیح مؤلف - سراج الدین علی خان آرزو - رسیده بود و بر پشت آن خان آرزو ملاحظات خود را مرقوم نموده بود، از اهمیت و ارزش ویژه‌ای برخوردار شد و کاتب نسخه ما - دولت رام - به ارزش آن پی برده و آن یادداشت را جداگانه با اظهار نظر خود - که در خاتمه یادداشت آمده است - نقل کرد. یادداشت خان آرزو این است:

«کتاب سراج اللغه از مؤلفات فقیر کثیرالتقصیر سراج الدین علی آرزو تخلص که حسب الامارات و ایالت مرتبت، مصرع برجسته دیوان شوکت، قدر دان مردم دانشور، صاحب هنر مند ذواللسانین پارسی و تازی، همچون زبان واقف حقیقی و مجازی، حاوی دایره انفس و آفاق، ممد و جهات عالم اخلاق، رصد بند عرش الکمال اهلیت، مفسر سوره اخلاص آدمیت، جان معنی و معنی جان، محمد... (نام محو شده) خان سلمه الرحمان نویسنده و بقدر مقدور به تصحیح رسانیده. متوقع از جناب صمدیت اینست که مقبول طبع اهل سخندان با انصاف و نکته فهم بی اعتساف گردد. بمنه و فضله حرره من الفه»

و کاتب دولت رام درباره این یادداشت چنین توضیح داده است:

«این عبارت بر پشت منقول عنه از دستخط خاص سراج الدین علی آرزو مرقوم بود، تیمناً و اعتباراً نقل برداشت».

از یادداشت دولت رام نیک پیداست که او نسخه‌شناس و نسخه پرداز خبره‌ای بوده است و در نوشتن و تهیه کردن نسخه جدید سراج اللغه به فرمایش مولوی حشمت علی - علاوه بر خوشنویسی و تزئینات که مادر این مقاله به آنها نپرداخته‌ایم - دست به هر کاری زده است که نسخه جدیدالتحریر را معتبر و مستند جلوه دهد.

۷. در سنه ۴ جلوس بهادرشاه بادشاه غازی خلدالله ملکه و سلطانه،

۸. بوقت چهار گهڑی (= ساعت) روز برآمده،

۹. بر دیوانخانه جناب منشی دیپ چند قوم کھتری دام اقباله پیرایه اختتام و زیور اتمام پوشید».

من عبارت ترجمه را به عمد در ۹ بند پخش کرده‌ام تا در تحلیل آن بتوانم به شماره بندها ارجاع بدهم.

بند ۱: نام اثر و مؤلفش را در بر دارد؛

بند ۲: تاریخ کتابت است که در ضبط آن کاتب هنرهای به خرج داده است، اولاً فقط به یک تاریخ هجری بسنده نکرده بلکه آن تاریخ را با دو تاریخ و تقویم رایج منطقه نیز

مطابقت داده است که یکی از آنها تاریخ میلادی و دیگری تاریخ بکر می مخصوص شبه قاره است؛ ثانیاً کاتب در هر

سه تاریخ به ضبط روز ماه هم پرداخته است؛ ثالثاً به ضبط روز هفته هم توجه داشته است. بندهای ۷ و ۸ را نیز باید

به بند تاریخ منضم کرد، زیرا در بند ۷ کاتب سال جلوس پادشاه وقت را ضبط کرده است و در بند ۸ به ساعت اتمام

کتابت متوجه شده و حتی در این کار به تمیز روز از شب نیز پرداخته است. بدین لحاظ از نظر ضبط تاریخ کتابت

کاتب نسخه موردی را از قلم فرو نگذاشته و یک تاریخ بسیار جامع و مُدرن (با توجه به تطبیق تقویم میلادی) ارائه

داده است. در این مورد باید به یک هوش ورزی دیگر کاتب نیز اشاره کرد که سال‌های هجری و عیسوی را هم به حروف و

هم به ارقام ضبط کرده است تا از احتمال سهو جلوگیری شود. بند ۳: محل کتابت را ذکر می‌کند با آوردن صفت و دعا

برای آن؛ در این بند فقط به نام شهر اشاره شده است، اما در بند ۹ کاتب محل دقیق اتمام کتابت را نیز گفته است.

بند ۴: از نسخه منقول عنه نشانی به دست داده است. کاتب زیرک در جایی دیگر عین ملاحظات مؤلف را در

نسخه منقول عنه نیز رونویسی کرده است (در ادامه مقاله به آن اشاره خواهد شد).

بند ۵: نام دستور دهنده است.

بند ۶: کاتب نام خود را با ذکر قوم آورده است.





رأسم این حروف یعنی سراج الدین علی آرزوست نظیر شانی که در واقع بصیرت کلید است
با عنایت و دستمان لاله میگذرد بجز آنکه بجز آنکه بجز آنکه بجز آنکه بجز آنکه

الحمد لله والمنة که این کتاب است مطاب سراج اللغه من تا لیف
سراج الدین علی آرزوست نظیر شانی که در واقع بصیرت کلید است
یکهزار و دویست و پنجاه ششش عجمی مطابق بست و یکم ماه جنوری
۱۳۰۱ عیسوی که هزار و بیست و هفتصد و چهل و یک عیسوی مطابق ماه بدی
به حوسس شب ۹ روز و پنجشنبه و تمام روزهای آن روزها در آنجا بود
حرمها اللغه من لافات از مشرف عنده لاله صاحب عمایت فرما
لاله و بر مجید حساب نقل بر دوشتم نیز بوده مولوی حکمت علی
حساب آرزوست مستحکم شد و دو دو رقم که در آنجا
غنی اللغه عنده در سه جلوس بجا داشته بود
غازی خلد اللغه ملکه و سلطانة وقت چهار کبری بود
براده بر دیوانخانه بنیاد شدی و در حساب حساب
که بخلا و قسبال پیرایه تمام فریوز تمام بود

محمد علی
محمد
محمد